

سیمای سوفیست و اثرات حضور آن بر نظام آموزشی آتن عصر پریکلس (۴۶۱ - ۴۲۹ پ.م)

شهناز شهرياری نيسيانی^۱

رضاعلی نوروزی^۲

چکیده

پژوهش حاضر که بر مبنای آثار افلاطون و با هدف گزارش واقع‌بینانه‌تر سیمای سوفیست و اثرات حضور آن بر نظام آموزشی آتن عصر پریکلس با در پیش گرفتن روش توصیفی و تحلیل مفهومی انجام شد ضمن بیان قدمت بسیار سوفیست‌ها، تغییر معنای واژه سوفیست و تأکید بر تفکیک سوفیست‌های خردمند قدیم از جنبش سوفسطائی و اینکه سوفیست در آثار افلاطون با چهره نیرنگ‌بازانه و اجبار دیگران به گفتار متناقض شناخته می‌شود با طرح سه مسأله، سیمای واقع‌بینانه‌تری از سوفیست‌های آموزگار ارائه می‌دهد. بنابر نتایج مسأله نخست همیشه سوفیست بودن مساوی بی‌دینی نیست، بلکه شناخت‌های محدود به همراه تعصبات و غرض‌ورزی‌ها باعث می‌شد صرف برچسب سوفیست خوردن عاملی برای تعقیب سوفیست‌ها به عنوان مجرمان مذهبی باشد. مسأله دوم اینکه، به‌رغم بدگویی و مخالفت با ادعاهای سوفیست‌ها، آن‌ها افرادی کاملاً مطرود و منفور نبودند، بلکه گاه حقیقتاً ستایش می‌شدند. همچنین بهره‌گیری از تعالیم آن‌ها نشان داد که نه تنها کلیه تعالیم سوفیست‌ها فاقد ارزش نبوده، بلکه در برخی دانش‌ها کسی به خردمندی آن‌ها نبوده است. براساس مسأله سوم، افلاطون به هیچ وجه اصل دریافت مزد توسط سوفیست‌ها را نفی نکرده و منشأ ایراد بر دریافت مزد را جوانان بدرفتاری می‌داند که محصول فن سخنوری سوفیست‌ها بودند. وی با نشان دادن رعایت انصاف در دریافت مزد توسط برخی سوفیست‌ها و دریافت تالیمی بدون پرداخت مزد توسط سقراط، اتهام فرصت‌طلبان سودجو را تا حدود زیادی از آن‌ها برطرف می‌سازد.

واژگان کلیدی: جنبش سوفسطائی، فلاسفه نظری، نظام آموزشی آتن، عصر پریکلس، آثار و پیامدها.

The Image of the Sophists and the Effects of their Presence on the Athenian Educational System Age of Pericles

Shahnaz Shahriari Neisiani³ / Reza Ali Nowrozi⁴

Abstract

This study is based on the works of Plato and aims to present the image of the sophist and its effects on the educational system of Athens using descriptive and conceptual analysis, explains the oldness of the sophists, the change in the meaning of the "sophist", emphasizes on separating wise old sophists from the sophist movement and presents image of teacher sophists by discussing three issues, and that the sophists are identified as being artful and persuading others into contradictory arguments. According to the first issue, being a sophist doesn't always mean impiety, but rather limited insights along with prejudices and preconceptions would result in being pursued as religious criminals only because of being marked as a sophist. According to the latter, despite slanders and oppositions to the claims of the sophists, they were not completely despicable and unpopular, but were even sometimes truly praised. Moreover, studying the teachings of the sophists showed that not only their teachings bear values of their own, but also in certain fields of knowledge, no one has been as wise as they were. According to the third, Plato never negated the wages taken by the sophists, and believed that the origin of the objections to these wages were the unmannered youth who were the product of the sophists' rhetoric. He cleared the accusation of being opportunist from the sophists by showing the fairness in wages received by some sophists and unpaid teachings received by Socrates.

Keywords: Sophist Movement, Theoretical Philosophers, Athenian Educational System, Age of Pericles, Effects and Consequences.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان.

۲. دانشیار گروه تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه اصفهان.

3. PHD Student of philosophy of education of university of Isfahan. (Corresponding Author)

E-mail: shahriari329.phe@gmail.com

4. Associate professor Department of History & philosophy of education of university of Isfahan. E-mail: nowrozi.r@gmail.com

مقدمه

نظام تعلیم و تربیت هر کشوری متأثر از شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بازتابی از تجربه فرهنگی آن است. تمدن یونان که یکی از چهار تمدن سازنده نظام تعلیم و تربیت غرب است در سیر تاریخی خود در کنار فلاسفه متفکری که جهان را با عبارات عقلانی توضیح می‌دادند، شاهد ظهور و نشو و نمای چهره‌هایی به نام سوفیست است. افرادی که شنیدن نام آن‌ها آموزگاران مزدبگیر نان به نرخ‌روزخوری را به ذهن تداعی می‌کند که دعوی آموزش قابلیت و فضیلت را داشتند. اگر چه چنین عباراتی گوشه‌ای از حقیقت را می‌نمایاند، اما بیانگر تمام حقیقت نیست. در واقع گزارش‌های تاریخی ارائه شده از سوفیست‌ها اغلب نادقیق و گاه مغرضانه است. این گروه که بنا به گفته گوته^۵ به واسطه ادعاهای اغراق‌آمیزشان به فرصت‌طلبان موعظه‌گر و منفعت‌طلب متهم شدند، با تسلط آتنی‌ها بر بازرگانی دریای اژه، رفع خطر ایرانی‌ها و ثروتمند شدن آن در اثر توسعه بازرگانی^۶ و مهم‌تر از همه با برقراری حکومت دموکراسی که پریکلس، رهبر آتن در مراسم یادبود قهرمان شهر آتن به آن مباحثات می‌کند،^۷ رشد کردند. توسیدیدس این مهم را که به بهترین وجه رشد سوفیست‌ها یا ظهور سوفیست‌های آموزگار حق‌تدریس بگير را تبیین می‌کند، از زبان پریکلس اینگونه توصیف می‌نماید: «حکومت ما را دموکراسی نامیده‌اند؛ چراکه هدایت امور نه به افرادی قلیل بلکه به تعدادی کثیر واگذار می‌شود، اما ضمن آنکه میان همگان در امور مدنی که توسط قانون تثبیت شده برابری وجود دارد، هر بار که مسأله تقدم فردی بر دیگری در مورد مسؤلیت دولتی مطرح شود، عضویت در طبقه خاص اهمیت ندارد، بلکه کفایت واقعی فرد مهم شمرده می‌شود.»^۸

این آموزگاران گذشته از اینکه شرایطی را به وجود آوردند که باورها و نگرش‌های افراد را تا حدودی زیادی تغییر داد و فلاسفه نظری چون سقراط را به مقابله با آن‌ها واداشت، حضورشان در این دوره و نیازهای متناسب با این شیوه حکومتی نظام آموزشی یونان را به شدت تحت تأثیر قرار داد. پژوهش حاضر ضمن آنکه در صدد ارائه گزارش دقیق‌تر و واقع‌بینانه‌تری از سوفیست‌ها آن هم بر مبنای آثار افلاطون است؛ کسی که به ناحق و به صرف مطالعه محدود و نادقیق

5. Gutek

6. G L Gutek, A History of the Western Educational Experience, (1995), p. 34,36.

7. آنتونی گاتلیب، رویای خرد، ترجمه لیلا سازگار (تهران: ققنوس، ۱۳۸۴)، ص ۱۵۸ - ۱۵۷.

8. Thucydids, *The Peloponesian War*, Trans: Rex Warner, (1954), p.147.

برخی، تنها به عنوان چهره مخدوش کننده سوفیست‌ها و مدافع استاد خود شناخته می‌شود. همچنین این پژوهش، تحولات نظام آموزشی آتن را به عنوان پیامدها و اثرات حضور سوفیست‌ها در عصر پریکلس مورد بررسی قرار می‌دهد.

روش پژوهش

رویکرد حاکم بر این پژوهش رویکرد کیفی و روش مورد استفاده در آن روش‌های توصیفی و تحلیل مفهومی است. توصیفی است به این جهت که هدف از انجام این پژوهش توصیف عینی، واقعی و منظم یک موضوع^۹ تحت عنوان سوفیست می‌باشد و از آنجا که توصیف زمینه تحلیل و تفسیر داده‌های گردآوری شده را فراهم می‌آورد،^{۱۰} کاربرد روش تحلیلی نیز اجتناب‌ناپذیر است. با توجه به اینکه در این پژوهش به تحلیل مباحث مطرح شده و مقوله‌بندی مطالب براساس محور سیمای سوفیست پرداخته شده است و در نهایت به منظور تبیین اثرات مثبت و منفی حضور سوفیست‌ها بر نظام آموزشی یونان، مفهوم‌سازی و توسعه مفاهیم جدید صورت گرفت، در پژوهش حاضر از روش تحلیل مفهومی (استنباطی) بهره گرفته شده است.

پیشینه تاریخی سوفیست و تعریف آن

واژه سوفیست مشتق شده از فعل Sophidzo و در لغت به معنای کسی است که به دانایی اشتغال دارد. این واژه به طور خاص به کسی که دانایی را آموزش می‌دهد اشاره دارد.^{۱۱} اگرچه در برخی آثار موجود به عباراتی چون عوامل ظهور سوفیست‌ها در قالب جملاتی چون اختلاف در جهان‌شناسی فیلسوفان گذشته، بی‌اعتبار شدن ادراک حسی در اندیشه هراکلیتوس^{۱۲} و پارمنیدس،^{۱۳} گسترده شدن آشنایی یونانیان با سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، بن‌بست معرفتی در حوزه الهیات^{۱۴} و برقرار شدن حکومت عامه^{۱۵} برمی‌خوریم، اما باید گفت که حضور سوفیست‌ها

۹. علی‌اکبر فرهنگی، حسین صفرزاده، روش‌های تحقیق در علوم انسانی، (بی‌جا: پیام پویا، ۱۳۸۵)، ص ۳۷۵.

10. L. M Given, *The sage encyclopedia of qualitative research Methods*, (London: Sage, 2008), p.209.

11. D Dwyer Corey, *The Greek Sophists: Teachers Of Virtue*, (2002), p.97.

12. Heraclitus

13. Parmenides

۱۴. مهدی بنایی، تاریخ فلسفه غرب، (قم: انتشارات بین‌المللی المصطفی، ۱۳۸۸)، ص ۸۵ - ۸۱

در یونان پدیده‌ای نیست که از نیمه دوم قرن پنجم پیش از میلاد آغاز و تا نیمه قرن چهارم یا اندکی بیشتر ادامه یافته باشد. بنابر آثار افلاطون و در رساله هیپپاس،^{۱۶} سقراط در گفت‌وگو با هیپپاس با بیان مشارکت وی در امور سیاسی و دریافت مزد یادآور می‌شود که چرا مردان بزرگ روزگاران گذشته چون پیتاکوس،^{۱۷} بیاس،^{۱۸} شاگرد نامدار تالس^{۱۹} و دیگر دانشمندان تا زمان آناکساگوراس^{۲۰} که به دانایی و خردمندی شهره بودند پایبند کارهای دولتی نبودند و یا دست‌کم بیشتر آنان خود را از این قبیل کارها برکنار می‌دانستند؟ وی با دریافت پاسخ هیپپاس مبنی بر عدم کفایت توانایی این مردان در اداره امور دولتی و تأمین منافع شخصی، اینگونه معتقد می‌گردد که چنانکه همه هنرها و فنون با گذشت زمان کامل شده‌اند، هنر سوفیستی نیز به سوی کمال پیش رفته و دانشمندان امروزی به مراتب بهتر و استادتر از پیشینیان‌اند، که این عقیده توسط هیپپاس تأیید می‌گردد.^{۲۱} گذشته از این قیاس رویه‌ای، در رساله پروتاگوراس،^{۲۲} پروتاگوراس خود از قدمت بسیار زیاد سوفیست‌ها سخن می‌گوید و بیان می‌دارد «من معتقدم که هنر سوفیستی هنر تازه‌ای نیست و از زمان‌های قدیم وجود داشته است. منتهی کسانی که به این هنر پرداخته‌اند از ترس بدخواهان و کینه‌جویان هنر خود را مخفی می‌داشتند. بعضی مانند هومر^{۲۳} و هزیود^{۲۴} و سیمونیدس^{۲۵} آن را در زیر پرده شعر پنهان داشته و بعضی دیگر مانند ارفه‌اوس^{۲۶} و موزایوس^{۲۷} عنوان سخنگوی معبد را به خود داده و برخی دیگر به بهانه تعلیم ورزش به اشاعه تعالیم خود پرداخته‌اند و... همه این اشخاص از ترس کینه و حسد دیگران این

۱۵. علیمحمد کاردان، سیر آراء تربیتی در غرب، (تهران: سمت، ۱۳۸۸)، ص ۱۴.

16. Hippias
17. Pittacus
18. Bias
19. Thales
20. Anaxagoras

۲۱. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله هیپپاس بزرگ، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۷)، ص ۵۶۸ - ۵۶۷.

22. Protagoras
23. Homer
24. Hesiod
25. Simonides
26. Orpheus
27. Musaeus

هنرها را نقاب نیت و مقصود اصلی خود ساخته‌اند.^{۲۸} سخنان پروتاگوراس ضمن آنکه بیانگر سابقه زیاد پیشه سوفیستی است مبین تغییر معنای واژه سوفیست از خردمندی و دانایی به یک معنای منفی با گذشت زمان است. به‌رغم معنای منفی یافتن واژه سوفیست و مورد تعقیب بودن آن‌ها، پروتاگوراس همچنان اتصال و همبستگی خود را با سوفیست‌ها یا همان مردان خردمند قدیم مورد تأکید قرار می‌دهد و در ادامه سخنان مذکور در بالا بیان می‌دارد: «من نمی‌خواهم خود را در ردیف آن‌ها قرار دهم ... راهی که من در پیش گرفته‌ام به کلی عکس راهی است که آن‌ها می‌رفتند و من صریح و آشکار در همه جا می‌گویم که سوفیست هستم و می‌خواهم مردم را تربیت کنم.»^{۲۹} بنابراین آنچه که به عنوان عوامل ظهور سوفیست معرفی و بیان می‌گردد صرفاً مرتبط با ظهور جنبش سوفسطائی و نشو و نمای آن‌ها در طول یک قرن در یونان است؛ یعنی همان سوفیست‌هایی که به عنوان آموزگار از شهری به شهر دیگر می‌رفتند و در برابر سخنرانی و خدمات آموزشی‌شان حق‌الزحمه می‌گرفتند. از این رو به منظور معرفی و تفکیک آن‌ها از سوفیست‌های پیشین باید از آن‌ها با عنوان آموزگاران یا سوفیست‌های دوره‌گرد حق‌تدریس بگیر یاد کرد تا صرف کاربرد واژه سوفیست درباره آن‌ها.

چهره‌های شناخته شده سوفیست

بنابر اظهارات سقراط در رساله پروتاگوراس، در میان یونانیان، مردم کرت و لاکه‌دمون از قدیم‌الایام بیش از دیگران به فلسفه علاقه داشتند و اغلب سوفیست‌ها هم از آنجا برخاسته‌اند.^{۳۰} بر اساس گفته ج. ب. کرفورد (J. B. Crawford) نام بیست و شش تن از سوفیست‌ها مشخص است. وی از این بیست و شش نفر تنها از افرادی چون پروتاگوراس، گریاس،^{۳۱} پرودیکوس،^{۳۲} هیپپاس، آنتیفون،^{۳۳} ترازیماخوس،^{۳۴} کالیکلس،^{۳۵} اوتیدم،^{۳۶} دیونسودروس،^{۳۷}

۲۸. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله پروتاگوراس، ترجمه رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، (تهران:

شرکت سهامی، افست، ۱۳۴۹)، ص ۲۲۲.

۲۹. همانجا.

۳۰. همان، ص ۲۵۳.

31. Gorgias

32. Prodicus

33. Antiphon

34. Thrasymachus

کریتیاس،^{۳۸} آنتیس تنس،^{۳۹} آناکساگوراس، اورپیدس،^{۴۰} فیدياس^{۴۱} و لیکفرون^{۴۲} سوفسطائی نام می برد و سقراط را نیز در ردیف سوفیست‌ها قرار می‌دهد.^{۴۳} هرچند وجود برخی رفتارهای سقراط از جمله گشتن در خیابان‌های آتن و هم‌صحبتی با پیر و جوان،^{۴۴} همنشینی با سوفیست‌ها به منظور بحث و تمجید ظاهری و گاه به حق از آن‌ها،^{۴۵} کسب آموزش از محضر برخی از آن‌ها^{۴۶} و همچنین وجود نمایشنامه آریستوفانس^{۴۷} که در آن سقراط در نقش یک سوفسطائی احمق و مضحک و بی‌اعتنا به موازین اخلاقی ظاهر می‌شود و به مقدسات توهین می‌کند^{۴۸} و به ویژه روش او در استدلال که متضمن نفی گزاره‌های نامقبول و ارتقای پاسخ‌های پذیرفته شده بود،^{۴۹} این طرز تفکر نادرست را تقویت کرد که سقراط عضوی از جنبش سوفسطائیان است. شواهد بسیاری در آثار افلاطون می‌توان یافت که سوفیست بودن سقراط را با دلایل قوی رد می‌کند: دلیل اول آنکه سقراط هیچگاه ادعای معلم‌قابلیت و لیاقت بودن را نداشت و بارها اثبات نمود که این ادعای آن‌ها پوچ و بی‌اساس است^{۵۰} و در بحث‌هایی که با سوفیست‌ها در رساله‌های هیپپاس

- 35. Callicles
- 36. Euthydemus
- 37. Dionysodorus
- 38. Critias
- 39. Antisten
- 40. Euripides
- 41. Phidias
- 42. Likfron

۴۳. کریستوفر چارلز ویستن، تاریخ فلسفه راتلج، ترجمه حسن مرتضوی، (تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۸)، ص ۴۲۱،

۴۵۱ - ۴۲۶.

۴۴. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله پروتاگوراس، ترجمه رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، (تهران:

شرکت سهامی افست، ۱۳۴۹)، ص ۲۶ - ۲۵.

۴۵. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله اوتیدم، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی انتشارات

خوارزمی، ۱۳۵۷)، ص ۸۵۴ - ۸۰۸ - ۸۰۷.

۴۶. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله منون، ترجمه رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت

سهامی افست، ۱۳۴۹)، ص ۴۴۵.

47. Aristophanes

۴۸. آنتونی گاتلیب، رویای خرده، ترجمه لیلا سازگار، (تهران: ققنوس، ۱۳۸۴)، ص ۱۶۶ - ۱۶۵.

۴۹. کریستوفر چارلز ویستن، تاریخ فلسفه راتلج، ترجمه حسن مرتضوی، (تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۸)، ص ۴۵۱.

۵۰. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله پراتاگوراس و منون، ص ۲۷۷ - ۲۷۱، ۲۷۱ - ۲۳۷ - ۲۲۵؛ ۴۵۱ - ۴۰۷.

بزرگ و کوچک داشت ضعف در توانایی‌هایشان را به آن‌ها نشان داد.^{۵۱} دلیل دیگر آنکه هر چند سقراط گاه در بحث طرف مقابل را به گفتار متناقض می‌کشاند، اما عدم چهره نیرنگ‌بازانه و تأکیدش بر عمل و رفتار بر اساس حق^{۵۲} و تلاشش برای جست‌وجو و فهم حقیقت که با ذکر تمثیل و در ضمن بیان ماما بودن خود از آن سخن می‌گوید،^{۵۳} وی را از سوفیست‌ها متمایز می‌سازد. همچنین در پایان رساله پروتاگوراس، پروتاگوراس پس از بحث‌های طولانی با سقراط به وی می‌گوید: «من به سهم خود شوق و پشتکار تو در جست‌وجوی حقیقت و همچنین طرز بحث و استدلال تو را می‌ستایم ... و تعجب نخواهم کرد که اگر تو روزی در جرگه بزرگترین معروفترین حکماء درآیی،»^{۵۴} که این خود دلیل و شاهدی قوی بر سوفیست نبودن سقراط است. در کنار شانزده نفری که کرفورد از آن‌ها نام می‌برد، می‌توان افرادی چون تئودوروس،^{۵۵} ائئوس،^{۵۶} پروتئوس،^{۵۷} هیدرا^{۵۸} و کریتلوس^{۵۹} را نیز به این فهرست اضافه نمود که با احتساب این چند نفر باز هم رقم گزارش شده بدست نمی‌آید. برخی از سوفیست‌های نامبرده از سوفیست‌های فرزانه و خردمند قدیم و برخی دیگر متعلق به جنبش سوفسطائی یا همان سوفیست‌های آموزگار هستند که معروف‌ترین آن‌ها پروتاگوراس، گرگیاس، پرودیکوس و هیپپاس می‌باشند.

-
۵۱. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله هیپپاس بزرگ و هیپپاس کوچک، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۷)، ص ۶۰۰ - ۵۷۶؛ ۷۰۷.
۵۲. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله آپولوژی، ترجمه رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی افست، ۱۳۴۹)، ص ۶ و ۵۷.
۵۳. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله ته‌ئه‌تئوس، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی افست، ۱۳۳۶)، ص ۱۳۷۶.
۵۴. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله پراتاگوراس، ترجمه رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی افست، ۱۳۴۹)، ص ۲۷۸ - ۲۷۷.

55. Theodorus
56. Aynvs
57. Proteus
58. Hydra
59. Cratylus

سیمای سوفیست

(۱) روایت فلاسفه نظری از سوفیست‌ها

در رساله مرد سیاسی، افلاطون از زبان مرد بیگانه سوفیست‌ها را اینگونه توصیف می‌کند: «جماعت سوفیست‌ها در نظر اول از انواع گوناگون تشکیل یافته؛ برخی صورت شیر دارند و برخی دیگر نیمی آدمی‌اند و نیمی اسب. برخی هم به ساتورن‌ها و جانوران زیرک و نیرنگ‌باز شبیه‌اند. گاهی هم تغییر صورت می‌دهند و از شکلی به شکل دیگر درمی‌آیند. آن‌ها انبوه مردمانی‌اند که به کارهای دولتی و سیاسی می‌پردازند و زیرک‌ترین و نیرنگ‌بازترین سوفیست‌ها جداکردنشان از مردان سیاسی راستین بسیار دشوار است.»^{۶۰} وی در اوتیدم نیز نزدیکی سوفیست‌ها با مردان سیاسی را مورد تأکید قرار می‌دهد و در گفت‌وگوی سقراط با کالیکلس^{۶۱} از زبان سقراط بیان می‌کند که سوفیست‌ها عیناً مثل ناطقین و رجال سیاسی‌اند و یا لااقل شباهت بزرگی بین آن‌هاست.^{۶۲} بنابر عبارتی از فایدروس افلاطون بعید به نظر می‌رسد که این شباهت، شباهتی واقعی باشد؛ چراکه وی در این رساله ارواح را از حیث توفیق در تماشای حقیقت در نه مرتبه عنوان کرده و سیاستمداران و سوفیست‌ها را در دو مرتبه متفاوت و با فاصله بسیار از هم قرار می‌دهد. به گونه‌ای که ارواح مرتبه سوم را در تن سیاستمداران و بازرگانان و یا کسانی که به نحوی از انحاء با پول سروکار دارند، دانسته و ارواح مرتبه هشتم را قرار داده شده در تن‌های سوفیست‌ها و مردم‌فریبان می‌داند.^{۶۳} روایت سقراط - افلاطونی دیگر از سوفیست‌ها و هنر سوفیستی را می‌توان در رساله پروتاگوراس مشاهده نمود. در این رساله سقراط در معرفی سوفیست به هیپوکراتس که به قصد صحبت نمودن سقراط با پروتاگوراس جهت پذیرش وی به عنوان شاگرد نزد او آمده، سوفیست را دکانداری می‌داند که غذای روح می‌فروشد. وی آن‌ها را مانند کسبه فروش اغذیه برای بدن می‌داند و می‌گوید این فروشندگان دانش‌ها و شناسایی‌ها در

۶۰. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله مرد سیاسی، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی

افست، ۱۳۳۶)، ص ۱۶۱۰ - ۱۶۰۹.

61. Callicles

۶۲. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله اوتیدم، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی انتشارات

خوارزمی، ۱۳۵۷)، ص ۳۸۹.

۶۳. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله فایدروس، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی

افست، ۱۳۳۶)، ص ۱۳۱۸ - ۱۳۱۷.

شهر می‌گردند و با تعریف و توصیف متاع خود آن را به هر کسی که برمی‌خورند، می‌فروشند.^{۶۴} افلاطون در رساله سوفیست این هنر را به دقت مورد واکاوی قرار می‌دهد و به منظور فهم آن موضوع ماهیگیری با قلاب را مثال می‌زند. وی در ابتدا در گفت‌وگوی میان بیگانه و ته‌توس سوفیست را مانند ماهیگیر با قلاب دارای هنر کسب می‌داند و سپس بیان می‌دارد که یکی از انواع هنر کسب، هنر کسب همراه با نیرنگ است که نوعی شکار آدمیان است و از هنر شکار آدمیان نوعی افتاع تک‌تک اشخاص همراه با طلب فرد است که این نوع خود را به پول می‌فروشد و ادعای آموزگاری دارد و کارش به دام انداختن جوانان توانگر است که این هنر را باید هنر سوفیستی نامید. وی پس از بحثی مفصل و بیان اینکه سوفیست‌ها تاکنون به چندین صورت از قبیل صیاد جوانان توانگری که مزدهای کلان می‌پردازند، عمده‌فروش دانش‌هایی که غذای روح‌اند، جامه خرده‌فروش همین کالاها، فروشنده دست اول دانش‌ها و بالاخره استاد فن مجادله ظاهر شده، می‌گوید: مجدداً سوفیست ما را به تردید انداخت. افلاطون در مرتبه دوم به منظور فهم سوفیست، هنر تصویرسازی را مثال می‌آورد و پس از بیان تقسیم‌بندی‌های متعدد آن ماهیت سوفیست را اینگونه نشان می‌دهد:

«تقلید نیرنگ‌بازانه مبتنی بر پندار؛ یعنی قسمی از هنر ساختن تصویرهای دروغین و فریبنده که خود نوعی از هنر تصویرسازی خاص آدمیان و نه خدایان است و آن نیز خود نوعی از انواع هنر ساختن است که از راه سخن دیگران را به گفتار متناقض مجبور می‌سازد. افلاطون در ادامه این تعریف بیان شده از زبان بیگانه می‌گوید کسی که بگوید سوفیست از این نژاد و پیوند پدید آمده حقیقت را گفته است.»^{۶۵} ارسطو سرشناس‌ترین شاگرد افلاطون نظری مشابه با استادش در رابطه با سوفیست‌ها دارد و هنر آن‌ها را تظاهر به خردی عاری از حقیقت می‌داند. به عقیده وی سوفیست کسی است که از خردی ظاهری و واهی پول بدست می‌آورد.^{۶۶}

۶۴ افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله پراتاگوراس، ترجمه رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی افست، ۱۳۴۹)، ص ۲۱۹.

۶۵ افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله سوفیست، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی افست، ۱۳۳۶)، ص ۱۵۵۴، ۱۴۹۵ - ۱۴۹۴، ۱۴۸۲ - ۱۴۸۱.

۶۶ کریستوفر چارلز ویستن، تاریخ فلسفه راتلج، ترجمه حسن مرتضوی، (تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۸)، ص ۴۳۳.

۲) روایت نمایش‌نامه‌ای از سوفیست‌ها

در نمایش‌نامه آریستوفانس تقریباً هیچکس از سقراط و عالمان حکومتی گرفته تا سوفیست‌ها و شیادان از تیررس مطالب تمسخرآمیز وی در امان نیست. گوتک، آریستوفانس را نویسنده محافظه‌کار کم‌دی و در ردیف منتقدین سوفیست‌ها دانسته که توانایی‌های آموزشی و ادعاهای تربیتی سوفیست‌ها را در نمایشنامه «اِبرها» مورد تمسخر قرار داده است. آریستوفانس بیان می‌کند که سوفیست‌ها در آماده کردن مردان جوان برای زندگی بافضیلت شکست خوردند و استدلال نمود که روش آموزشی‌شان شاگردان را به فریب دادن و دروغ گفتن تشویق می‌کرده است. وی همچنین معتقد بود که جانبداری سوفیست‌ها از تغییر اجتماعی، برای اخلاقیات مخرب و برای ثبات داخلی جامعه آتن زیان‌آور بوده است.^{۶۷}

از میان دو روایت فوق، روایت دوم به دلیل جنبه نمایشی‌اش تفکیک میان جدی یا مطایبه‌آمیز بودن مضامین مطرح شده را دشوار ساخته و از این رو نمی‌تواند مبنای قضاوت قرار گیرد. در روایت نخست نیز روایت سقراط - افلاطونی برتر از روایت ارسطویی است. دلیل این رجحان، گذشته از گستردگی مطالب، پایبندی افلاطون به آموزه‌های استادش سقراط است. افلاطون در آثارش همواره تعالیم این معلم اخلاق را به دیده احترام نگریسته و با قرار دادن بخش‌هایی از این تعالیم در جای‌جای آثارش در قالب عباراتی چون به ناحق عمل کردن بزرگترین بدی‌ها و تباهی‌هاست،^{۶۸} فقط انجام ندادن یک کار خلاف حق است که در نظر من بیشتر از هر چیزی ارزش دارد^{۶۹} و یا آنجا که در دادگاه هلیاست از زبان سقراط نقل می‌کند که: «به شیوه سخن من به دیده اغماض بنگرید و فقط به این توجه کنید که آنچه می‌گویم حق است یا ناحق؛ چرا که وظیفه قاضی همین است چنانکه وظیفه ناطق نیز بیان حقیقت می‌باشد،»^{۷۰} توانسته تا حدود زیادی اثبات کند که آنچه مدنظر او می‌باشد آرمان‌های سقراط است تا صرف بیان مطالب از روی غرض و به قصد انتقام از عاملین مرگ سقراط. از این رو، همچنان آثار افلاطون منابع اصلی مورد نظر ما در این پژوهش خواهد بود. در ادامه به منظور

67. G L Gutek, A History of the Western Educational Experience, (1995), p. 36.

۶۸ افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله گرگیاس، ترجمه رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت

سهامی افست، ۱۳۴۹)، ص ۳۲۰.

۶۹ همان؛ رساله آپولوژی، ص ۶.

۷۰. همان، ص ۱۰.

نشان دادن سیمای دقیق‌تر سوفیست مسائلی مطرح می‌گردد که در ظاهر در ابتدا و انتهای دو طیف قرار دارند.

مسأله اول: سخن از خدایان یا باور به آن‌ها و قرار گرفتن سوفیست‌ها در ردیف مجرمان

مذهبی.

افلاطون در کتاب نهم قوانین جرائم مذهبی را در چهار مورد عنوان کرده و در کتاب دهم به تفصیل آن‌ها را مورد بحث قرار می‌دهد. از جمله این جرائم گناه بزرگ نسبت به خدایان است. او بیان می‌کند که کسی که به خدایان اعتقاد دارد نه کاری خلاف دین مرتکب می‌شود و نه سخنی کفرآمیز به زبان می‌آورد. اینگونه کارها از کسانی سر می‌زند که یا منکر خدایان هستند یا بر این عقیده‌اند که خدایان هستند ولی کاری با آدمیان ندارند و یا می‌پندارند که با دعا و قربانی می‌توان دل خدایان را بدست آورد و اراده آن‌ها را تغییر داد. بنابر گزارش افلاطون هر یک از این سه دسته خود بر دو نوع است و از این رو جرائم مذهبی شش گونه‌اند. به نظر افلاطون بخشی از مجرمینی که در اثر اعتقاد به عقیده نخست به وجود آمده‌اند طبیعتی نیکو دارند و نه تنها خود مرتکب عمل خلاف حق نمی‌شوند، بلکه همواره از بدکاران می‌گریزند و با نیکان می‌آمیزند. اما بخشی از آن‌ها کسانی هستند که نه تنها منکر خدایان‌اند، بلکه در برابر لذت و درد نیز خویش‌داری نکرده و در عین حال بسیار تند ذهن و قوی حافظه‌اند. وی زیان گروه دوم را بیشتر دانسته و می‌گوید هرچند این گروه نیز مقدسات را به دیده استهزاء می‌نگرند، چون زیرک و هشیار هستند عقیده واقعی خود را از نظرها پنهان می‌دارند و گاه به صورت پیشگو یا شعبده‌باز و گاه در جامه پیشوای ملت یا فرمانروایی مستبد یا سردار سپاه ظاهر خواهند شد. سوفیست و کسانی هم که عقایدی سری و تعالیمی اسرارآمیز ابداع می‌کنند از همین گروه‌اند. افلاطون در ادامه بحث از این گروه می‌گوید این گروه با توسل به نیرنگ جنایاتی مرتکب می‌شوند که حتی کیفر مرگ نیز برای آن‌ها کافی نیست.^{۷۱} تحت تعقیب بودن سوفیست‌ها در رساله پروتاگوراس نیز مطرح شده است. آنجایی که پروتاگوراس پس از برشمردن نام افرادی می‌گوید همه این اشخاص از ترس کینه و حسد دیگران این هنرها را نقاب نیت خود ساخته‌اند. «من معتقدم که آن‌ها با توسل به این وسایل نتوانسته‌اند صاحبان قدرت را اغفال کنند. حال اگر کسی بخواهد از دست صاحبان قدرت بگریزد ولی موفق نشود و رازش برملا گردد ... نفرت مردم علیه خود را

۷۱. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ قوانین، ترجمه محمدحسن لطفی، (شرکت سهامی افست، ۱۳۳۷)،

برخواهد انگيخت و او را حيله‌ساز و توطئه‌گر خواهند ناميد. به اين جهت من راهی متفاوت در پيش گرفته و آشکار در همه جا می‌گويم که سوفيست هستم ... علاوه بر اين ملاحظات ديگر را نيز از نظر دور نداشته‌ام و با اينکه سال‌های درازی است که به هنر سوفیستی اشتغال دارم، خدا را شکر تا امروز از اين حيث گزندی به من نرسیده است.^{۷۲} اگرچه پروتاگوراس در سراسر زندگی خود از حمايت پريكلس برخوردار بوده و به درخواست او قانونی را برای مهاجرنشين تازه تأسيس و طرفدار هلنی در جنوب ایتالیا تحرير نموده،^{۷۳} با اين حال با بيان اينکه آشکارا خود را سوفيست خوانده و ملاحظات ديگر را نيز در نظر داشته و به ویژه عبارت پایانی که می‌گويد «خدا را شکر تا امروز از اين حيث گزندی به من نرسیده است» نشان داده که منکر خدايان نيست. از سوی ديگر، بيان افلاطون در رساله سوفيست که می‌گويد شهرت عمده سوفيست‌ها ناشی از اين است که آن‌ها مردمان را در مجادله موضوعات خدایی که بيشتر مردمان از آن بی‌خبرند توانا می‌سازند^{۷۴} منکر خدا بودن پروتاگوراس و بسياری از سوفيست‌ها را به چالش می‌کشد. بنابراین، به‌رغم اينکه سوفيست در کلام افلاطون بيش از هر چيز با چهره نيرنگ‌بازانه‌اش شناخته می‌شود، نبايد تمام بیانات آن‌ها را ناشی از چهره نيرنگ‌بازانه سوفيست‌ها و دستاویزی برای در امان ماندنشان دانست. بر اين اساس، نمی‌توان تمام افرادی که به عنوان سوفيست شناخته شده‌اند را بی‌دين پنداشت. در واقع اگرچه سوفيست‌ها بنا بر قانون مجرم مذهبی شناخته شدند و افرادی از آن‌ها چون پروديکوس، سوفيست معاصر سقراط و آناکساگوراس سوفيست قدیمی و نه متعلق به جنبش سوفسطائی خداناباور بودند، اما همیشه سوفيست بودن مساوی بی‌دين بودن نيست. لذا شبهه پيش آمده را بايد ناشی از عدم کفایت شناخت درباره سوفيست‌ها دانست. توضیح مطلب آنکه از دید افلاطون شناسایی سوفيست آسان نيست. او جانور چالاکي است که نمی‌توان با یک دست گرفت، بلکه برای گرفتن او بايد همه نیروی خود را در دو دست متمرکز سازيم.^{۷۵} علاوه بر اين، اظهاراتی وجود دارد که نشان می‌دهد برخی افراد

۷۲. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله پروتاگوراس، ترجمه رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، (تهران:

شرکت سهامی افست، ۱۳۴۹)، ص ۲۲۳ - ۲۲۲.

۷۳. کریستوفر چارلز ویستن، تاریخ فلسفه راتلج، ترجمه حسن مرتضوی، (تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۸)، ص ۴۲۶.

۷۴. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله سوفيست، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی

افست، ۱۳۳۶)، ص ۱۴۹۶.

۷۵. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله سوفيست، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی

افست، ۱۳۳۶)، ص ۱۴۸۶.

تصویر واضحی از سوفیست‌ها نداشته و به دنبال شناختن آن‌ها نیز نبوده‌اند.^{۷۶} از سوی دیگر، وجود این قانون که اگر کسی به گفتار یا کردار از راه دینداری منحرف شود هر یک از ساکنان شهر موظف خواهند بود او را به مقامات دولتی معرفی کند،^{۷۷} عده‌ای را بر آن داشت تا بر این شناخت ناقص و نادقیقی که بدست آوردن اعتماد کنند. همین شناخت محدود بود که پروتاگوراس را که اظهاراتش بیش از هر چیز حاکی از لادری‌گری بود به بی‌خدایی متهم ساخت.^{۷۸} این قبیل شناخت‌ها به همراه تعصب برخی و غرض‌ورزی‌های دیگر باعث شد که صرف برچسب سوفیست خوردن، عاملی باشد برای تعقیب سوفیست‌ها به عنوان بی‌دینان یا مجرمان مذهبی.

مسأله دوم: بدگویی از پیشه سوفیستی، مخالفت با ادعاهای سوفسطائیان و احترام و تمجید از سوفیست‌ها به همراه بهره‌گیری از تعالیم آنان.

افلاطون در مواردی به بدگویی از پیشه سوفیستی پرداخته و مصاحبت با آن‌ها و سوفیست شدن را مایه ننگ دانسته است. در رساله پروتاگوراس، سقراط به هیپوکراتس می‌گوید «آیا شرم نخواهی داشت که در نزد هلنی‌ها به عنوان سوفیست شناخته شوی؟ و هیچ می‌دانی روح را در معرض چه خطری قرار می‌دهی؟ هیپوکراتس نیز سوگند یاد می‌کند که شرم خواهد داشت از اینکه سوفیست شناخته شود.»^{۷۹} در رساله مهمانی^{۸۰} سقراط طی عبارتی بیان می‌کند که «اگر مفری سراغ داشتیم از کثرت شرم فرار می‌کردم؛ زیرا این نطق مرا به یاد گرگیاس انداخت.»^{۸۱} در اواخر رساله اوتیدم نیز کریتون دوست صمیمی سقراط به او می‌گوید میل دارم سخنی را که مردمان پشت سرت می‌گویند از من بشنوی. شخصی که در نوشتن خطابه‌های حقوقی مهارت

۷۶. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله منون، ترجمه رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی افست، ۱۳۴۹)، ص ۴۴۰ - ۴۳۹.

۷۷. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ قوانین، ترجمه محمدحسن لطفی، (شرکت سهامی افست، ۱۳۳۷)، ص ۲۳۷۴.

۷۸. کریستوفر چارلز ویستن، تاریخ فلسفه راتلج، ترجمه حسن مرتضوی، (تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۸)، ص ۴۲۷ - ۴۲۶.

۷۹. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله پروتاگوراس، ترجمه رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی افست، ۱۳۴۹)، ص ۲۱۸ - ۲۱۶.

80. Lysis or Friendship

خاصی دارد، می‌گفت اگر تو خود آنجا بودی گمان می‌کردم به شرم می‌افتادی از اینکه می‌دیدى دوستت چنان بی‌سلیقه است که با آن کسان به گفت‌وگو می‌نشیند. او پس از بیان توضیحات آن شخص درباره آن دو سوفیست و فن آن‌ها، به سقراط می‌گوید: سقراط گرامی به عقیده من سخن آن مرد درباره خود موضوع فن درست نیست اما سرزنش بجاست؛ زیرا بحث با آن گونه کسان درخور تو نیست.^{۸۲}

دلایل این عدم پذیرش و بدگویی‌ها را می‌توان در مواردی چند و از جمله تفاوت هدف یادگیری، نتایج و پیامدهای یادگیری و آرمان یادگیرندگان در نزد آن‌ها و فلاسفه^{۸۳} بیان نمود. اما مهم‌ترین عامل را باید در عدم توجه به جست‌وجوی حقیقت و ادعاهای اغراق‌آمیز آن‌ها دانست؛ ادعاهایی از قبیل معلم قابلیت و فضیلت دانستن خود،^{۸۴} برتر و سودمند شمردن روش تربیتی خود^{۸۵} و اینکه تنها مصاحبت با آن‌هاست که جوانان را بهتر می‌سازد.^{۸۶} چنین ادعاهایی بود که سقراط را به مقابله واداشت و در بخش‌هایی از رساله پروتاگوراس و با ظرافت تمام و کاربرد مثال‌های متعدد در رساله منون^{۸۷} اثبات کرد که قابلیت آموختنی نبوده و بستگی به اراده خداوندی دارد.^{۸۸} او در بحث‌هایی که با سوفیست‌ها داشت نشان داد که روش سوفیست‌ها سودمندترین روش و مصاحبت با آن‌ها برترین مصاحبت نیست.^{۸۹} در کنار این مخالف‌ها و بدگویی‌ها، مواردی را می‌توان یافت که سوفیست‌ها حقیقتاً مورد تمجید و احترام قرار می‌گرفتند:

۸۲. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله اوتیدم، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۷)، ص ۸۵۶-۸۵۵.

83. S Sean, Sophistry And Philosophy: Two Approaches To Teaching Learning Teoría de la Educación, (2013), p. 25-36.

۸۴. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله پروتاگوراس، ترجمه رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی افست، ۱۳۴۹)، ص ۲۶۱.

۸۵. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله هیپیا بزرگ، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۷)، ص ۵۷۳-۵۷۲.

۸۶. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله پروتاگوراس، ص ۲۲۲.

87. Menon

۸۸. همان، ص ۲۷۷-۲۷۱، ۲۳۷-۲۲۵؛ به انضمام رساله منون، ص ۴۵۱-۴۰۷.

۸۹. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله هیپیا بزرگ و هیپیا کوچک، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۷)، ص ۶۰۰-۵۷۶؛ ۷۰۷.

در رساله اوتیدم سقراط که گفت‌وگوی خود با اوتیدم و برادرش دیونیسودرس را برای دوستش نقل می‌کند، توضیح مفصلی از توانایی‌های آن‌ها می‌دهد و بیان می‌کند که دانششان حیرت‌انگیز، در نبردهای لفظی و مناظره‌های دادگاه‌ها سرآمدان روزگار و در سخنوری و خطابه‌نویسی کسی را یارای برابری با آن‌ها نیست و تاکنون کسی را ندیده‌ام که در فنون جدل و نبرد به پای آنان رسیده باشد. او در جای دیگر از این رساله بیان می‌کند که من خود حالی پیدا کرده بودم که ناچار شدم تصدیق کنم که در همه عمر مردانی به این دانایی و هوشمندی ندیده‌ام. از این رو زبان به ستایششان گشودم ...^{۹۰} در رساله پروتاگوراس نیز سقراط بیان می‌کند: «اگرچه خیلی میل داشتم گفته‌های پرودیکوس را که به نظر من خدای عقل و حکمت است بشنوم اما از دور نمی‌توانستم درست تشخیص دهم که در خصوص چه موضوعی صحبت می‌کرد.»^{۹۱} چنین تمجیدهایی خود حاکی از این است که نه تنها کلیه تعالیم سوفیست‌ها خالی از ارزش نبوده، بلکه در برخی دانش‌ها و فنون کسی به کاردانی و خردمندی آن‌ها نبوده است. افلاطون خالی از ارزش نبودن تعالیم سوفیست‌ها و بهره‌گیری از این تعالیم را در جای دیگر از همین رساله یادآور می‌شود. وی در گفت‌وگو با پروتاگوراس به او می‌گوید احتمال می‌رود دانش پرودیکوس یک دانش خدایی باشد که منبع آن سیمونیدس بوده و یا حتی مدت‌ها پیش از سیمونیدس آغاز گردیده، اما تو با اینکه چیزهای بسیار می‌دانی ظاهراً از آن دانش بی‌بهره‌ای، در صورتی که من که شاگرد پرودیکوس هستم از آن بهره گرفته‌ام.^{۹۲} در رساله منون نیز سقراط اظهار داشته که مدتی تحت تعلیم پرودیکوس قرار داشته^{۹۳} و با پرداخت پول خطابه‌ای را از او شنیده است.^{۹۴}

مسئله سوم: دریافت مزدهای کلان و عدم درخواست مزد

۹۰. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله اوتیدم، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی انتشارات

خوارزمی، ۱۳۵۷)، ص ۸۵۴ - ۸۰۸ - ۸۰۷.

۹۱. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله پروتاگوراس، ترجمه رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، (تهران:

شرکت سهامی افست، ۱۳۴۹)، ص ۲۲۱.

۹۲. همان، ص ۲۵۲.

۹۳. همان؛ رساله منون، ص ۴۴۵.

۹۴. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله کریتلوس، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی

انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۷)، ص ۷۳۴.

در رساله هیپسیاس بزرگ، افلاطون از زبان هیپسیاس کسب پول از راه تربیت جوانان را خلاف قانون اسپارت بیان می‌کند^{۹۵} اما از ممنوعیت آن در هیچ جای دیگر از یونان سخن به میان نمی‌آورد. گذشته از این، اگرچه وی در رساله آپولوژی^{۹۶} یکی از ادعاهای موجود علیه سقراط را تربیت اشخاص و پول درآوردن از این راه عنوان کرده،^{۹۷} اما به هیچ وجه اصل دریافت مزد توسط سوفیست‌ها برای آموزش را نفی نمی‌کند.^{۹۸} همچنین هر چند افلاطون در آثارش به کرات از دریافت مزدهای کلان سوفیست‌های بزرگی چون هیپسیاس، گرگیاس، پرودیکوس،^{۹۹} پروتاگوراس^{۱۰۰} و ائوس پاری^{۱۰۱} سخن می‌گوید اما اینگونه نبوده که همه آن‌ها جانب انصاف را از نظر دور داشته باشند. در رساله کریتلوس سقراط بیان می‌کند که خطابه‌های پرودیکوس دارای قیمت‌های متفاوتی بوده و او خطابه یک درهمی او را شنیده است.^{۱۰۲} پروتاگوراس نیز خود می‌گوید: «من برای تعیین مزد خود چنین قرار گذاشته‌ام که از هر شاگردی پس از خاتمه زمان تعلیم اگر به میزان مزدی که من تعیین می‌کنم راضی باشد، آن را به من بپردازد و در غیر این صورت به معبد می‌رود و در آنجا قسم می‌خورد که ارزش تعلیم من در نظر او فلان مبلغ است و آن وقت همان مبلغ را به من می‌دهد.»^{۱۰۳} علاوه بر این، شواهد

۹۵. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله هیپسیاس بزرگ، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۷)، ص ۵۷۲ - ۵۷۱.

96. Apology

۹۷. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله آپولوژی، ترجمه رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی افست، ۱۳۴۹)، ص ۱۲.

۹۸. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله ته‌ته‌تتوس، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: سهامی افست، ۱۳۳۶)، ص ۱۴۰۱.

۹۹. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله هیپسیاس بزرگ، ص ۵۶۹ - ۵۶۷.

۱۰۰. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله ته‌ته‌تتوس، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: سهامی افست، ۱۳۳۶)، ص ۱۳.

۱۰۱. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله آپولوژی، ترجمه رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی افست، ۱۳۴۹)، ص ۱۳.

۱۰۲. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله کریتلوس، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۷)، ص ۳۷۴.

۱۰۳. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله پروتاگوراس، ترجمه رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی افست، ۱۳۴۹)، ص ۲۳۵.

موجود در رسالات هیپپاس و گرگیاس نشان می‌دهد که سقراط - با بکارگیری روش آیرونی^{۱۰۴} خود و در واقع به قصد به دام انداختن سوفیست‌ها و افشای نادانی‌شان - بحث‌هایی با سوفیست‌ها داشته که در آن سوفیست‌ها با رغبت تمام و بدون درخواست مزد آنچه را که سقراط در طلب آن بوده برای او بیان کرده‌اند.^{۱۰۵}

با توجه به اظهارات افلاطون در رساله گرگیاس منشأ ایراد بر دریافت مزد را باید جوانان بدرفتاری دانست که محصول فن سخنوری سوفیست‌ها بودند؛ چرا که سقراط در این رساله بیان می‌کند: «به عقیده من سوفیست‌ها و سیاستمداران را باید متوجه این امر نمود که نباید از بدرفتاری کسانی که خود تربیت نموده‌اند گله‌مند باشند ... آن‌ها باید فن خود را متهم سازند که نتوانسته به کسانی که ادعای تربیتشان را داشتند، تربیت نیکو و مفید بخشند ... در این صورت همین اشخاص نباید برای خدمتی که انجام می‌دهند مزد بخواهند.»^{۱۰۶} با وجود چنین جوانان بدرفتاری به تدریج این اندیشه در ذهن بسیاری از افراد جای گرفت که تمام سوفیست‌ها با دریافت مزد جوانان را فاسد می‌کنند.

اثرات حضور سوفیست‌ها بر نظام آموزشی یونان عصر پریکلس

اگرچه سوفیست‌ها به عنوان یک گروه بدخواه تعریف شده از معلمان دوره‌گردی که با خصوصیات فلسفی و پداگوژی مخالف بودند، هرگز یک گروه واحد از مربیان را تشکیل ندادند و نه یک نظریه آموزشی منظم و منسجم را توسعه دادند و نه مدارسی را در مفهوم رسمی تأسیس کردند،^{۱۰۷} اما با این حال اثرات حضور آن‌ها بر نظام آموزشی آتن عصر پریکلس غیرقابل انکار است. این اثرات را می‌توان در ذیل دو عنوان آثار و پیامدهای منفی و مثبت مورد بحث قرار داد.

104. The Irony Method

۱۰۵. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله هیپپاس بزرگ و هیپپاس کوچک، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۷)، ص ۵۷۵؛ ۶۹۰ - ۶۸۹.
۱۰۶. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله گرگیاس، ترجمه رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی افست، ۱۳۴۹)، ص ۳۸۹.

107. G L Gutek, A History of the Western Educational Experience, (1995), p. 36.

الف) آثار و پیامدهای منفی

۱) بی‌ارزش جلوه دادن آموزش‌ها و تعالیم دیگران: سوفیست‌ها با بیان ادعاهای بزرگی چون معلم قابلیت بودن و برتر و سودمند دانستن روش آموزشی خود که پیشتر بیان شد و به ویژه وادار ساختن جوانان به دست کشیدن از مصاحبت خویشان و همشهریان خود و این ادعا که تنها مصاحبت با آن‌ها جوانان را بهتر می‌سازد،^{۱۰۸} امری که سقراط نیز در خطابه دفاعیه از آن سخن به میان می‌آورد،^{۱۰۹} آموزش‌ها و تعالیم بسیاری از افراد همچون فلاسفه قدیم و معاصر خود و دیگر دانایان یونان را فاقد ارزش جلوه دادند که این امر به نوبه خود از اعتبار آن‌ها نزد جوانان می‌کاست.

۲) فراهم آوردن زمینه پرورش هر چه بیشتر افراد شیاد: بنابر شواهد موجود، در آثار افلاطون اقدامات سوفیست‌ها زمینه پرورش هر چه بیشتر افراد شیاد را فراهم آورد و چنین امری بیش از هر چیز مرهون فن سخنوری سوفیست‌ها بود. چنانچه افلاطون در رساله گریاس از زبان سقراط بیان می‌دارد که: «به عقیده من سوفیست‌ها و سیاستمداران را باید متوجه این امر نمود که نباید از بدرفتاری کسانی که خود تربیت نموده‌اند گله‌مند باشند، بلکه باید به وسیله همان فن سخنوری از دست خود شکوه کنند و فن خود را متهم سازند که نتوانسته است به کسانی که ادعای تربیتشان را داشته تربیت نیکو و مفید بخشند.»^{۱۱۰} در این فن چنانچه تریاس^{۱۱۱} و گریاس بیان کرده‌اند سخنور باید بکوشد تا سخنش به نظر شنوندگان درست به نظر برسد، نه آنکه حقیقت را به آنان بگوید^{۱۱۲} و آنگونه که سقراط از کلام گریاس استنباط می‌کند چنین است که ناطق احتیاج ندارد که از خود موضوع هنرها اطلاع داشته باشد، بلکه کافی است راه متقاعد نمودن و معتقد ساختن را بدست آورد تا بتواند به نادان‌ها چنین وانمود کند که دانش او بیش از نادان است.^{۱۱۳} چنین ویژگی‌هایی از این فن بود که روزنه امیدی برای افراد مغروض و

۱۰۸. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله پروتاگوراس، ترجمه رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، (تهران:

شرکت سهامی افست، ۱۳۴۹)، ص ۲۲۲.

۱۰۹. همان؛ رساله آپولوژی، ص ۱۲.

۱۱۰. همان؛ رساله گریاس، ص ۳۸۹.

111. Tesias

۱۱۲. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله فایدروس، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: سهامی افست،

۱۳۳۶)، ص ۱۳۴۲.

۱۱۳. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله گریاس، ص ۳۰۶.

دارای نیات شیطانی فراهم آورد. این قبیل افراد بودند که سقراط آن‌ها را اینگونه توصیف می‌کند: «گاه هم کسانی می‌آیند که آستن نیستند و چون می‌دانم نیازی به هنر من ندارند، در برابر آن‌ها به جنبه دیگر هنرم که خواستگاری است توسل می‌جویم و به یاری خدا درمی‌یابم که همنشینی کدام افراد برای آنان مناسب‌تر است. چنانچه تاکنون چند نفر را به نزد پرودیکوس و دیگر دانشمندان فرستاده و بدین طریق از سر خود باز کرده‌ام.»^{۱۱۴}

۳) آموختن اجباری برخی دانش‌های پیش‌نیاز بدون توجه به علائق شاگردان: اگرچه سوفیست‌ها با بیان تخصص و توانمندی‌های خود به شاگردان این آگاهی را می‌دادند که قادر به ایجاد چه قابلیت‌هایی در آن‌ها می‌باشند، اما با این حال برخی از آن‌ها در ابتدا، شاگردانشان را به‌رغم تمایلشان به آموختن برخی هنرها وادار می‌کردند. چنانچه پروتاگوراس در پاسخ سقراط که از او می‌پرسد اگر هیپوکراتس شاگرد تو شود پیشرفت او در چه موضوعی خواهد بود و در چه چیز بهتر از روز پیش خواهد شد، بیان می‌کند که اگر هیپوکراتس شاگرد من شود بلاهایی که بر سر شاگردان سوفیست‌های دیگر می‌آید به سر او نخواهد آمد؛ زیرا سوفیست‌ها دیگر (چون هیپیباس) جوانان را که تازه از رنج درس‌های مدرسه خلاص شده‌اند، برخلاف میل آن‌ها به درس‌های دیگر می‌کشاند و به آموختن هنرهای تازه از قبیل حساب و هندسه و ستاره‌شناسی و موسیقی وادارشان می‌کند.^{۱۱۵} اگرچه می‌توان آموختن این هنرها را پیش‌نیازها و ارائه آموزش‌های اولیه‌ای دانست که برای کسب دانش و قابلیت مورد نظر ضروری است، اما با این وجود چنین امری از دید پروتاگوراس نامطلوب بوده و با این بیان خود که در نزد من لازم نیست چیزی بیاموزد غیر از آنچه به قصد آموختن آن پیش من آمده^{۱۱۶} بر نامطلوب و ناصحیح بودن این امر تأکید می‌ورزد.

۱۱۴. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله تهنه‌تتوس، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی افست، ۱۳۳۶)، ص ۱۳۷۶.

۱۱۵. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله پروتاگوراس، ترجمه رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی افست، ۱۳۴۹)، ص ۲۲۴.

۱۱۶. همانجا.

ب) آثار و پیامدهای مثبت

۱) ایجاد زمینه گسترده‌تر برای تحصیلات عالی: تا زمان سوفیست‌های آموزگار، آموزش فراگیران در نظام آموزشی آتن از هفت سالگی آغاز و اغلبشان هنگامی که به چهارده سالگی می‌رسیدند آموزششان خاتمه می‌یافت.^{۱۱۷} ظهور سوفیست‌ها در این برهه زمانی اگرچه باعث شد امکان تحصیلات عالی را برای کسانی که توانایی پرداخت هزینه‌های زیاد آن را داشتند، فراهم کند، اما همین امر موجب شد تا در مقایسه با وضع موجود و هر چند نه به شیوه سازمان‌یافته زمینه گسترده‌تری از تحصیلات عالی ایجاد گردد.

۲) به وجود آمدن زمینه عینی ارزیابی توانایی‌های آموزشی معلمان: امروزه یکی از دغدغه‌های بسیار مهم والدین، ثبت‌نام فرزندان جهت ادامه تحصیل و تربیت هر چه بیشتر آن‌ها در مدارس است که دارای بالاترین کیفیت بوده به گونه‌ای که یادگیری را محقق و انتظاراتشان را برآورده سازد. آنچه در این زمینه راهنمای والدین است تبلیغات و آمارهایی است که مدیران از میزان قبولی دانش‌آموزانشان ارائه می‌دهند. چنین دغدغه‌ای در یونان عصر پریکلس نیز وجود داشته که گوشه‌ای از آن را افلاطون در رساله لاکس^{۱۱۸} به تصور کشیده است.^{۱۱۹} بنابر گزارش ارائه شده توسط افلاطون، فعالیت سوفیست‌ها بخش‌هایی از این نگرانی‌ها را برطرف ساخت؛ زیرا گذشته از اینکه برخی سوفیست‌ها چون گرگیاس، هیپپاس و پرودیکوس سفیرانی بودند که بارها با سخنرانی در مجامع عمومی توانایی‌های خود را به اثبات رسانده بودند،^{۱۲۰} اظهارات افلاطون در رساله هیپپاس کوچک بیانگر آن است که سوفیست‌ها زمینه‌های عینی را برای ارزیابی توانایی‌های آموزشی خود توسط دیگران فراهم می‌آوردند. چنانچه در این رساله هیپپاس بیان می‌کند که: «من کسی هستم که در جشنی که مردمان همه شهرهای یونان در پرستشگاه

۱۱۷. آنتونی گاتلیب، رویای خرد، ترجمه لیلا سازگار، (تهران: ققنوس، ۱۳۸۴)، ص ۱۵۹.

118. Laches

۱۱۹. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله لاکس، ترجمه رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت

سهامی افست، ۱۳۴۹)، ص ۱۳۷ - ۱۳۶، ۱۱۱ - ۱۰۹.

۱۲۰. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله هیپپاس بزرگ، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت

سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۷)، ص ۵۶۸ - ۵۶۷.

الیمپ^{۱۲۱} برپا می‌کنند حضور می‌یابم و در برابر همگان اعلام می‌کنم که اگر تقاضا کنند آماده‌ام
خطابه‌های خود را بخوانم و به هر سؤالی که بکنند پاسخ دهم.»^{۱۲۲}
۳) مورد توجه قرار گرفتن علوم و فنون مختلف: آنچه اکثر آنتی‌ها در نظام آموزشی روزمره خود
فرامی‌گرفتند خواندن و نوشتن، موسیقی، ورزش، ژیمناستیک، شاید اندکی ریاضی و مقداری شعر
حماسی بود و آموزش دختران نیز تنها به یادگیری چند نوع کار دستی محدود می‌شد.^{۱۲۳} در
مقابل این مختصر آموزش، سوفیست‌ها آموزش علوم مختلف را مورد توجه قرار دادند. چنانچه
هیپیاوس در علم نجوم، اجرام آسمانی و طبیعت،^{۱۲۴} معانی هجاها و مقیاس هجاها، ارتباط
آهنگ‌ها، سرگذشت اقوام و پهلوانان کهن، چگونگی پیدایش آن‌ها و داستان‌های روزگاران کهن
اطلاع داشت.^{۱۲۵} پروتاگوراس به گفته هیپوکراتس^{۱۲۶} دارای تخصص در زمینه نطق و بیان
بود^{۱۲۷} و کتابی در دستور زبان داشت،^{۱۲۸} گرگیاس استاد فن سخنوری محسوب می‌شد،^{۱۲۹} آئوس
مخترع فن اشاره و کنایه و مدح ضمنی بود، پرودیکوس قاعده نوشتن خطابه‌های هنرمندانه را
یافت^{۱۳۰} و متخصص در تمیز مفاهیم بود.^{۱۳۱} اوتیدم و برادرش نیز در فن جدل، سخنوری،

121. Olimp

۱۲۲. همان؛ رساله هیپیاوس کوچک، ص ۶۸۹.
۱۲۳. آنتونی گاتلیب، رویای خرد، ترجمه لیلا سازگار، (تهران: ققنوس، ۱۳۸۴)، ص ۱۵۹.
۱۲۴. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله پروتاگوراس، ترجمه رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، (تهران:
شرکت سهامی افست، ۱۳۴۹)، ص ۲۲۱.
۱۲۵. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله هیپیاوس بزرگ، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت
سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۷)، ص ۵۷۴.

126. Hippocrates

۱۲۷. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله پروتاگوراس، ترجمه رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، (تهران:
شرکت سهامی افست، ۱۳۴۹)، ص ۲۱۵.
۱۲۸. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله فایدروس، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: سهامی افست،
۱۳۳۶)، ص ۱۳۴۲ - ۱۳۴۱.
۱۲۹. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله گرگیاس، ترجمه رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، (تهران:
شرکت سهامی افست، ۱۳۴۹)، ص ۲۹۲.
۱۳۰. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله فایدروس، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: سهامی افست،
۱۳۳۶)، ص ۱۳۴۲ - ۱۳۴۱.
۱۳۱. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله لاکس، ترجمه رضا کاویانی و محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت
سهامی افست، ۱۳۴۹)، ص ۱۳۲.

خطابه‌نویسی و نبردهای لفظی و مناظره‌های دادگاه تبحر داشتند.^{۱۳۲} نگاهی گذرا به این علوم نشان می‌دهد که بخش وسیعی از این علوم و فنون همان علوم و فنون مورد نیاز برای شیوه جدید حکومتی بود. به بیان صریح‌تر و چنانچه در مقدمه نیز بیان گردید یکی از مهم‌ترین دلایل ظهور سوفیست‌های آموزگار، برقراری حکومت دموکراسی در آتن بود که موفقیت برای احراز موقعیت در این شیوه حکومتی نیاز به آموزش ویژه داشت که این نوع آموزش را سوفیست‌ها ارائه دادند. به ویژه اینکه برخی از آن‌ها سفیرانی بودند که در شهرهای مختلف یونان سخنرانی داشتند. بنابراین، یکی دیگر از جنبه‌های مثبت حضور سوفیست‌ها بر نظام آموزشی یونان مورد توجه قرار گرفتن علوم و فنون مختلف به ویژه علوم و فنون مرتبط با امور سیاسی و حکومتی بود.

۴) برانگیختن افراد به تحصیل دانش و فنون: گذشته از گستردگی حوزه علوم که خود مشوقی برای شاگردان جهت دریافت آموزش مورد علاقه‌شان بود، ادعاهای سوفیست‌ها که پیشتر بیان شد از قبیل معلم قابلیت و فضیلت بودن و اینکه تنها مصاحبت با آن‌ها جوانان را بهتر می‌سازد، بسیاری از جوانان را به کسب فنون و دانش نزد آن‌ها سوق داد. علاوه بر این، توانایی‌هایی که یک فرد بدست می‌آورد و او را در غلبه بر حریف موفق می‌ساخت، دیگران و به ویژه افراد مغلوب را برمی‌انگیخت که به کسب همان دانش و فنون روی آورند.

۵) فراهم گردیدن امکان انتخاب برای شاگردان: مورد توجه قرار گرفتن علوم مختلف توسط سوفیست‌ها زمینه‌ای را برای انتخاب هر چه گسترده‌تر شاگردان فراهم آورد که در این زمینه هم شاگردان می‌توانستند رشته و فن مورد علاقه و متناسب با روحیاتشان را برگزینند و هم به جهت تعلیم، آموزگاران را انتخاب کنند که به نظرشان بهتر از دیگران می‌توانست دانش و فن مورد علاقه‌شان را به آن‌ها آموزش دهد.

بدیهی است که اثرات حضور سوفیست‌ها به نظام آموزشی آتن عصر پریکلس محدود نشده بلکه این نیروهای فرهنگی نه تنها بر بسیاری از جنبه‌های زندگی یونانیان اثر گذاشتند، بلکه با فعالیت و خدمات آموزشی‌شان بر نظام‌های تعلیم و تربیت بعد از خود از جمله روم و تربیت قرون وسطایی نیز مؤثر واقع شدند.

۱۳۲. افلاطون، دوره کامل آثار افلاطون؛ رساله اوتیدم، ترجمه محمدحسن لطفی، (تهران: شرکت سهامی

نتیجه گیری

این پژوهش که با مبنا قرار دادن آثار افلاطون و با هدف گزارش دقیق و واقع بینانه تر سیمای سوفیست و اثرات حضور آن بر نظام آموزشی آتن عصر پریکلس انجام شد، ضمن بیان قدمت بسیار سوفیست‌ها، معنای منفی یافتن واژه سوفیست با گذشت زمان و تأکید بر لزوم تفکیک سوفیست‌های خردمند قدیم از جنبش سوفسطائی و این امر که سوفیست در آثار افلاطون بیش از هر چیز با چهره نیرنگ‌بازانه‌اش شناخته می‌شود که از راه سخن دیگران را به گفتار متناقض مجبور می‌سازد، با طرح سه مسأله سیمای واقع بینانه تری از سوفیست‌های آموزگار ارائه داد و به تبع آن، قضاوت‌های یکجانبه و ناروا درباره افلاطون را آشکار ساخت. بنابر نتایج حاصل از مسأله نخست، همیشه سوفیست بودن مساوی بی‌دین بودن نیست، بلکه شناخت‌های محدود و نادقیق به همراه تعصب برخی و غرض‌ورزی‌های برخی دیگر بود که باعث می‌شد صرف برچسب سوفیست خوردن عاملی باشد برای تعقیب سوفیست‌ها به عنوان بی‌دینان یا مجرمان مذهبی. بنابر مسأله دوم، به‌رغم بدگویی از سوفیست‌ها و مخالفت با ادعاهای اغرارآمیزشان، سوفیست‌ها افرادی کاملاً مطرود و منفور نبودند، بلکه گاه حقیقتاً مورد ستایش واقع می‌شدند. همچنین بهره‌گیری از تعالیم پرودیکوس و گفت‌وگو با برخی دیگر توسط سقراط نشان می‌دهد که نه تنها کلیه تعالیم سوفیست‌ها فاقد ارزش نبوده، بلکه در برخی دانش‌ها و فنون کسی به کاردانی و خردمندی آن‌ها نبوده است. براساس مسأله سوم، گرچه افلاطون از ممنوعیت تحصیل پول از راه تربیت جوانان در اسپارت و نه دیگر شهرهای یونان سخن به میان می‌آورد، اما خود به هیچ وجه دریافت مزد توسط سوفیست‌ها را برای آموزش نفی نکرده و منشأ ایراد بر دریافت مزد را جوانان بد رفتاری می‌داند که محصول فن سخنوری سوفیست‌ها بودند. وی با نشان دادن رعایت جانب انصاف در دریافت مزد توسط برخی سوفیست‌ها و دریافت تعالیمی از آن‌ها بدون پرداخت مزد توسط سقراط، اتهام فرصت‌طلبان سودجو را تا حدود زیادی از آن‌ها برطرف ساخت.

کتابنامه

- افلاطون. دوره کامل آثار افلاطون. ج ۱. ترجمه رضا کاویانی و محمدحسن لطفی. تهران: شرکت سهامی افست، ۱۳۴۹.
- _____ . دوره کامل آثار افلاطون، ج ۳ (۶). ترجمه محمدحسن لطفی. تهران: شرکت سهامی افست، ۱۳۳۶.

- _____ . دوره کامل آثار افلاطون، ج ۳ (۸). ترجمه محمدحسن لطفی. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۷.
- _____ . دوره کامل آثار افلاطون. ج ۴. ترجمه محمدحسن لطفی. تهران: شرکت سهامی افست، ۱۳۳۷.
- _____ . بناپی، مهدی. تاریخ فلسفه غرب. قم: انتشارات بین‌المللی المصطفی، ۱۳۸۸.
- _____ . فرهنگی، علی‌اکبر؛ صفرزاده، حسین. روش‌های تحقیق در علوم انسانی. بی‌جا: پیام پویا، ۱۳۸۵.
- _____ . کاردان، علیمحمد. سیر آراء تربیتی در غرب. تهران: سمت، ۱۳۸۸.
- _____ . ویستن، کریستوفر چارلز. تاریخ فلسفه راتلج (از آغاز تا افلاطون). ج ۱. ترجمه حسن مرتضوی. تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۸.
- _____ . گاتلیب، آنتونی. رویای خرد؛ تاریخ فلسفه غرب (از یونان باستان تا رنسانس). ترجمه لیلا سازگار. تهران: ققنوس، ۱۳۸۴.

Dwyer Corey, D. *The Greek Sophists: Teachers Of Virtue*. A Dissertation Submitted to the Graduate Faculty of the Louisiana State University and Agricultural and Mechanical College, 2002.

Gutek.G L. *A History of the Western Educational Experience*. Publisher: Waveland Press, 1995.

Given, L. M. *The sage encyclopedia of qualitative research Methods*. Vol, 1(2). London: Sage, 2008.

Sean, S. *Sophistry And Philosophy: Two Approaches To Teaching Learning* *Teoría de la Educación. Educación y Cultura en la Sociedad de la Información*, España, vol, 14(3), pp. 25-36. Universidad de Salamanca, 2013.

Thucydids. *The Peloponesian War*, II, 41, Trans: Rex Warner, 1954.